

پیشگفتار

همان‌گونه که در پیشگفتار جلد اول مکاتب تفسیری اشاره شد، قرآن کریم قابل اعتمادترین منبع و حیاتی است؛ ولی معارف، علوم و احکامی که بر آن دلالت یا اشارت دارد، از جهت ظهور و خفای دلالت آیات و آسانی و دشواری فهم آن‌ها - از الفاظ و عبارات - سطح‌ها و مرتبه‌های گوناگونی دارد. فهم مرتبه‌ای از آن برای عموم آسان می‌باشد و آیه «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ»^۱ و مانند آن^۲ گویای این مدعاست، و فهم کامل معارف، علوم و احکام آن ویژه پیامبر اکرم ﷺ و اوصیای گران‌قدر ایشان است؛ از امام باقر علیه السلام روایت است که فرمود: «ما يستطيع احد ان يدعى ان عنده جميع القرآن كله ظاهره و باطنه غير الأوصياء»^۳ هیچ‌کس جز اوصیا نمی‌تواند ادعا کند همه قرآن، از ظاهر و باطن، نزد او است. و مرتبه‌ای از معانی و معارف آن برای غیر پیامبر و امامان معصوم قابل فهم و دست‌یابی است، ولی به تدبیر و تفسیر و تلاش علمی مناسب نیاز دارد. شاهد این مدعا، افزون بر آیاتی که به تدبیر در قرآن ترغیب و تدبیر نکردن در آن را نکوهش می‌کند،^۴ تفسیرهایی است که تاکنون برای قرآن کریم نوشته شده و بخشی از معانی و مطالب آن را که ابتدا آشکار و معلوم نبوده است، تبیین

۱. قمر، آیات ۱۷، ۲۲، ۳۲، ۴۰.

۲. مانند «فَأَنَّمَا يُسَّرَّنَهُ لِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (دخان، ۵۸) و «فَأَنَّمَا يُسَّرَّنَهُ لِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا» (مریم، ۹۷).

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸۶، کتاب الحجة، باب انه لم يجمع القرآن كله الا الائمة عليهم السلام، حدیث ۲.

۴. «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَنَّمْ عَلَى قُلُوبِ أَقْفَالُهَا» (محمد، ۲۴).

و تفسیر کرده‌اند. پوشیده نیست که برای فهم این بخش از معارف قرآن کریم، علوم و آگاهی‌هایی نیاز است که بدون تحصیل آنها نمی‌توان به فهم صحیح این مرتبه از معارف قرآن دست یافت.

از جمله دانش‌هایی که بی‌تردید در فهم صحیح این بخش از معارف قرآن کریم می‌تواند مؤثر باشد، آشنایی با نقاط قوت و ضعف مکاتب تفسیری و نظریه‌هایی است که تاکنون دربارهٔ چگونه تفسیر کردن قرآن پدید آمده است؛ همچنین یکی از منابعی که در تفسیر قرآن کریم می‌توان از آن کمک گرفت کتاب‌های تفسیری فراوانی است که با روش‌های مختلف به تفسیر آیات پرداخته‌اند. بدیهی است شناخت ویژگی‌های هر یک از این تفسیرها و بررسی صحت و سقم مکتب و روش تفسیری مؤلفان آنها، در بهره‌گیری صحیح از آنها و درس‌آموزی از تجربه‌ها و خطاهای مفسران پیشین بسیار سودمند است.

در این کتاب برای تأمین این آگاهی مفید برای تفسیر، دیدگاه‌های مختلفی که تاکنون دربارهٔ چگونه تفسیر کردن قرآن پدید آمده و تفسیرهایی که بر اساس آن تألیف و تدوین شده، با عنوان مکاتب تفسیری^۱ تبیین و بررسی می‌شود و به دنبال بررسی هر یک از آنها، برخی تفسیرهای معروف که بر اساس آن مکتب یا متأثر از آن تألیف شده، معرفی می‌گردد و روش تفسیری آنها در برخی به اجمال و در بسیاری از تفسیرهای اجتهادی با تفصیل، بررسی و ارزیابی می‌شود. در بررسی بیشتر کتاب‌های تفسیری سیر قواعدی که در روش‌شناسی تفسیر قرآن تحقیق و تبیین شده، در نظر بوده و بررسی آنها به ترتیب آن قواعد و با این لحاظ که در تفسیر آیات چه مقدار به آن قواعد توجه شده، می‌باشد. در مواردی نیز دیدگاه‌های برخی از صاحبان تألیف در زمینهٔ مکاتب و کتاب‌های تفسیری نقد و بررسی شده است؛ زیرا اولاً: آنان از پیشگامان تحقیق در این زمینه بوده‌اند و به چالش کشیدن دیدگاه‌های آنان می‌تواند در تعمیق شناخت مکاتب و کتاب‌های تفسیری مؤثر باشد، و ثانیاً: برخی از نویسندگان اهل تسنن در اثر دور بودن از محیط شیعه یا به دلایل دیگر توصیف‌های نادرستی از برخی تفاسیر شیعه ارائه کرده‌اند که با نقد سخنان آنان، تصویرهای نادرستی که نسبت به کتاب‌های شیعه پدید آمده یا ممکن است پدید آید، برطرف می‌شود.

۱. برای آگاهی از معنای لغوی و اصطلاحی «مکاتب تفسیری» و معنای منظور از آن در این کتاب ر.ک: بابایی، مکاتب

امید که این بضاعت مزجاة گامی مؤثر در پیشرفت دانش تفسیر و خدمتی به شیفتگان معارف قرآن و استادان و دانشجویان تفسیر باشد و مورد عنایت ولی عصر (عج) و قبول حضرت حق واقع شود.

یادآور می شویم که مطالب مکاتب تفسیری در دو بخش تنظیم شده است: بخش نخست با عنوان مفسران نخستین، سه فصل دارد: در فصل اول با مفسران آگاه به همه معانی قرآن (پیامبر عظیم الشان و اوصیای گران قدر آن حضرت) و مکتب تفسیری مورد تأیید آنان آشنا می شویم. در فصل دوم مفسران صحابی و در فصل سوم مفسران تابعی معرفی می شوند و ارزش تفسیر و ویژگی های مکتب و آرای تفسیری آنان بیان می شود. در بخش دوم کتاب، مکاتب تفسیری مفسرانی که از آنان آثاری بر جای مانده و برخی تفسیرهای معروف که بر اساس آن مکتب ها یا متأثر از آن ها تألیف شده است، نقد و بررسی می شود. این بخش نه فصل، دارد:

فصل اول: مکتب و تفسیرهای روایی محض؛

فصل دوم: مکتب و تفسیرهای باطنی محض؛

فصل سوم: مکتب اجتهادی و اقسام آن؛

فصل چهارم: مکتب و تفسیرهای اجتهادی قرآن به قرآن؛

فصل پنجم: مکتب و تفسیرهای اجتهادی روایی؛

فصل ششم: مکتب و تفسیرهای اجتهادی ادبی؛

فصل هفتم: مکتب و تفسیرهای اجتهادی علمی؛

فصل هشتم: مکتب و تفسیرهای اجتهادی جامع؛

فصل نهم: مکتب و تفسیرهای اجتهادی، باطنی.^۱

جلد اول مکاتب تفسیری به بخش اول و فصل نخست بخش دوم اختصاص یافت. این مجموعه که جلد دوم کتاب و حاوی فصل های دوم، سوم و چهارم بخش دوم است، در معرفی مکتب و تفسیرهای باطنی محض، مکتب اجتهادی و اقسام آن و نیز مکتب و تفسیرهای اجتهادی قرآن به قرآن است. فصل های دیگر در جلد سوم کتاب خواهد آمد. در پایان از همه افرادی که در پیدایش، ویرایش و نشر کتاب مؤثر بوده اند، به ویژه از

۱. برای آشنایی بیشتر با عنوان های فصل ها ر.ک: بابایی، علی اکبر، مکاتب تفسیری، ج ۱، ص ۲۴-۲۶.

جناب حجت الاسلام و المسلمین محمود رجبی که به عنوان ناظر طرح، یا نقد و تذکرهاى
سودمند خود به تهذیب و کمال اثر افزودند و نیز حجت الاسلام و المسلمین غلامعلی
عزیزی کیا که در معرفی و بررسی «تفسیر القرآن الکریم» ابن عربی، همکاری داشته‌اند،
تشکر و تقدیر می‌شود.

علی اکبر بابایی

شهریور ماه ۱۳۸۲

سیزدهم رجب ۱۴۲۴